

Strategic culture and foreign policy of the Islamic Republic of Iran

seyyedmohammadmousavi¹

Abstract:

Strategic culture is one of the most important factors that affect the foreign policy and defense/security policy of the Islamic Republic of Iran. However, the relationship between Strategic culture and the foreign policy and defense-security policy of the Islamic Republic of Iran is an issue that requires analysis and research. Religion, history and historical experiences (especially contemporary history and Iraq-Iran war), geography and geopolitics, the international system, economy and oil, and society and national identity are the major sources of the strategic culture of the Islamic Republic of Iran. The mechanism of influence of these resources is also through the creation of features or coordinates in the foreign policy of the Islamic Republic of Iran, such as; Supporting Muslims and Shiites, independence, resistance, justice, expediency, national defense and deterrence, distrust of foreigners, strategic patience, and so on. In fact, the sources of the strategic culture of the Islamic Republic of Iran have created characteristics or components in the foreign policy and security / defense policy of the Islamic Republic of Iran, and these characteristics are considered as characteristics of the foreign and security / defense policy of the Islamic Republic of Iran. In this article, after examining the concept of strategic culture in the form of constructivist theory, the quantity and quality of resources and the effects of the strategic culture of the Islamic Republic of Iran are discussed.

Keywords: Strategic Culture, Islamic Republic, Iran, Foreign Policy, Security Defense Policy



سال اول، شماره ۳،
پاییز ۱۴۰۱
فرهنگ راهبردی
و سیاست خارجی
جمهوری اسلامی
ایران: منابع و
تأثیرات

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

¹ Graduated with a PhD in political science from Tehran University

فرهنگ راهبردی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران؛

منابع و تأثیرات

سید محمد موسوی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۲۲

۱۴۰۱/۹/۱۳

تاریخ دریافت:

چکیده

فرهنگ راهبردی از مهمترین عوامل موثر بر سیاست خارجی و سیاست دفاعی/امنیتی ج.ا.ایران است. اما چگونگی ارتباط میان این مولفه با سیاست خارجی و سیاست دفاعی - امنیتی جمهوری اسلامی ایران مسئله ای است که نیازمند واکاوی و پژوهش است. دین و مذهب، تاریخ، جغرافیا، نظام بینالملل، اقتصاد و نفت از منابع عمده فرهنگ راهبردی ج.ا.ایران است. مکانیسم اثرگذاری این منابع نیز از طریق ایجاد ویژگیها یا مختصاتی در سیاست خارجی ج.ا.ایران از قبیل؛ حمایت از مسلمانان، استقلال، مقاومت، استکبارستیزی، عدالت طلبی، مصلحت، دفاع ملی و بازدارندگی، بی اعتمادی به بیگانگان، صبر استراتژیک و ... است. درواقع منابع فرهنگ راهبردی ج.ا.ایران باعث ایجاد شاخصها یا مولفههایی در سیاست خارجی و سیاست امنیتی/دفاعی ج.ا.ایران شده و این شاخصها به عنوان مختصات سیاست خارجی و امنیتی/دفاعی ج.ا.ایران قلمداد میگردند. در این مقاله تلاش میگردد تا پس از بررسی مفهومی فرهنگ راهبردی در قالب نظریهی سازه انگاری، به کمیت و کیفیت منابع و تأثیرات فرهنگ راهبردی ج.ا.ایران پرداخته شود.



سال اول، شماره ۳،
پاییز ۱۴۰۱
فرهنگ راهبردی
و سیاست خارجی
جمهوری اسلامی
ایران: منابع و
تأثیرات

کلیدواژه: فرهنگ راهبردی، جمهوری اسلامی، ایران، سیاست خارجی، سیاست دفاعی امنیتی

پرتال جامع علوم انسانی

موضوع اصلی فرهنگ راهبردی توضیح و تبیین چگونگی اثرگذاری فرهنگ بر انتخاب، طراحی و اجرای راهبردهاست. بر این اساس، فرهنگ راهبردی یک محیط اجتماعی و اندیشه ای است که گزینشهای رفتاری را محدود می نماید و باعث میشود تا رفتارهای راهبردی در قالب آن انجام گیرد. (Johnston, 1995: 46) از این رو، رفتارهای سیاست خارجی، امنیتی، دفاعی و ... در قالب و بر بستر فرهنگ راهبردی انجام میگیرد.

جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک نظام دینی و ارزشمحور، دارای چهارچوبی راهبردی برای کنش در عرصههای مختلف است و این چهارچوب همان فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران است که به عنوان قالب و بستر کنشهای راهبردی جمهوری اسلامی ایران عمل مینماید. بنابراین فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران باعث در پیش گرفتن کنش های راهبردی مشخصی توسط این کشور شده است، که آن را با سایر کشورها و نظام های سیاسی در سرتاسر دنیا متفاوت کرده است. این فرهنگ راهبردی از چه منابعی تشکیل شده است و چه تأثیراتی بر سیاست خارجی و سیاستهای دفاعی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران می گذارد؟

این مقاله به دنبال پاسخ به این سوال اساسی است و در پاسخ، این فرضیه را مطرح می کند که؛ عناصری نظیر اسلام و تشیع، تاریخ و تجربیات تاریخی (بویژه تاریخ معاصر و نزدیک)، جغرافیا و محیط ژئوپلیتیک، نظام بین الملل، اقتصاد و نفت و ۸ سال جنگ تحمیلی عراق علیه ایران مسبب ایجاد نوع ویژه های از فرهنگ راهبردی برای جمهوری اسلامی ایران شده است، که خود منجر به سیاستهای ویژه های در عرصه های خارجی و محیط راهبردی این کشور شده است. از این رو و بر اساس فرهنگ راهبردی ویژه جمهوری اسلامی ایران، ویژگیها یا شاخصه هایی نظیر حمایت از مسلمانان و شیعیان، استقلال، مقاومت، استکبارستیزی، مصلحت، دفاع ملی، بی اعتمادی به بیگانگان، بازدارندگی، صبر استراتژیک و ... از شاخصه های سیاست خارجی و امنیتی/دفاعی جمهوری اسلامی ایران تلقی شده و بدون درک این شاخصه ها، درک سیاست خارجی و سیاست دفاعی/امنیتی جمهوری اسلامی ایران میسر نیست.

در این مقاله تلاش می گردد تا با شناخت منابع تشکیل دهنده فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران، به تأثیرات آنها بر سیاست خارجی و سیاست دفاعی/امنیتی جمهوری اسلامی ایران پرداخته شود.

چهارچوب نظری و مفهومی: نظریه سازه انگاری و مفهوم فرهنگ راهبردی راهبرد را «علم و فن توسعه و کاربرد قدرت های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی یک ملت به هنگام صلح و جنگ به منظور تأمین حداکثر پشتیبانی

از سیاست های ملی و افزایش احتمال پیروزی و تقلیل احتمال شکست» تعریف نموده اند. (فارسی، ۱۳۶۳: ۳۳) فرهنگ راهبردی را نیز مشتمل بر باورهای مشترک، فرضیات و الگوهای رفتاری متأثر از تجربه های مشترک، دین و مذهب، جغرافیا و روایت های کتبی و شفاهی مورد پذیرشی دانسته اند که شکل دهنده هویت جمعی، انگاره ها و هنجارها در مورد خود و روابط با دیگر گروه است و ابزارهای مناسبی برای نیل به اهداف امنیتی را تعیین می نماید. (عبدالله خانی، ۱۳۸۶، ۳۱۵)

فرهنگ راهبردی را دیدگاهی مبتنی بر نظریه سازه انگاری می دانند. در واقع سازه انگاری به عواملی نظیر فرهنگها، هنجارها و ایدهها بهای بسیاری می دهد و کانون توجه و تمرکز خود را بر آگاهی بشری و نقش این آگاهی در روابط بینالملل میداند. الکساندر ونت یکی از مهمترین نظریه پردازان سازه انگاری در همین زمینه معتقد است: رفتار دولتها برآیندی از منافع آنهاست و منافع نیز برآیندی از هنجارهاست، از این رو هنجارها مقدم بر رفتارهاست و حد و حدود آنها را مشخص می نماید. (داوودی، ۱۳۹۱: ۴۰) تأکید بر هنجارها و فرهنگ در درون سازه انگاری نشان می دهد که چگونه اعتقادات جمعی سیاستگذاران دولتی خود را قالب فرهنگ راهبردی نشان داده و به کنش و رفتار راهبردی آنها در قالبهای خاصی نظیر تهاجم، تدافع، بازدارندگی و ... شکل می دهد



سال اول، شماره ۳،
پاییز ۱۴۰۱
فرهنگ راهبردی
و سیاست خارجی
جمهوری اسلامی
ایران: منابع و
تأثیرات

از دید سازه انگاری، بدون بررسی نقش و تأثیرات فرهنگ و مولفه های فرهنگی و درک و فهم بازیگران نمی توان تبیین درستی از بینش و کنش آنها در سطح بینالمللی و سیاست خارجی ارائه داد. از این رو، بازیگران در رابطهای دیالکتیکی با فرهنگ و مولفه های فرهنگی جامعه خود قرار دارند و فرهنگ تأثیر بسیاری بر نوع بینش و کنش آنها دارد. فرهنگ راهبردی نیز یک تلاش برای ادغام و همگرا نمودن ملاحظات و ادراکات فرهنگی، حافظه تاریخی جمعی و تأثیرات آنها بر تحلیل سیاستهای امنیتی دولت در عرصه سیاست خارجی و محیط بین الملل است. (Al-Rodhan, 2015) بنابراین، میان نظریه سازه انگاری و رویکرد یا دیدگاه فرهنگ راهبردی ارتباط و نزدیکی بسیاری وجود دارد.

فرهنگ راهبردی را از طریق سازه انگاری بهتر می توان درک و فهم کرد، چرا که سازه انگاران توجه ویژه ای به نفوذ و تأثیرات فرهنگ و هویت بر خط مشیها و اقدامات امنیتی دارند. در حوزه روششناسی نیز این مسئله نیازمند شناخت یک هنجار یا مجموعه های از هنجارها و ردیابی تأثیر آنها بر کنش و رفتار سیاسی کشورهاست. این مسائل در فرهنگ راهبردی نیز مورد نظر بوده و تأکید ویژه ای بر روی آنها وجود دارد.

سازه انگاران اعتقاد دارند که تأکید و توجه به ایدهها و انگارهها و فرهنگ راهبردی منبعت از این ایدهها و انگارهها بهتر می تواند رفتار کشورها را تبیین

نماید (Rynning, 2003: 481). اما در میان انواع سازه انگاری، سازه انگاران سطح واحد به رابطه ی میان هنجارها و ایده های داخلی و رفتار کشورها (از جمله سیاست خارجی و رفتارهای راهبردی کشورها) تمرکز دارند. معتقدان به این نوع از سازه انگاری بر اهمیت تغییرات در داخل کشورها و تأثیر آنها در همکاری، رقابت و دشمنی با سایر کشورها تأکید می کنند. در سازه انگاری سطح واحد فرهنگ به عنوان یک ساختار انگارهای و متشکل از معانی مشترک بازیگران است که به هویت آنها شکل می دهد. هویت بازیگران نیز به منافع آنها شکل می دهد. از این رو در این نوع سازه انگاری هنجارها، ارزش ها، ایده ها و باورهای مشترک است که به هویت، منافع و رفتار شکل داده و آنها را هدایت می کند. در این چهارچوب، فرهنگ راهبردی متشکل از مجموعه ای از هنجارهای داخلی (دین و مذهب، تجربیات تاریخی، سنت، نگاه جغرافیایی، اقتصاد و ...) است که در شکل گیری هویت یک بازیگر - دولت نقش ایفا کرده و برداشت ها و روایت های مختلف درون هر فرهنگ راهبردی باعث بازنمایی متفاوتی از سیاست خارجی و رفتارهای راهبردی کشورها می گردد. (سلیمی و حجازی، ۱۳۹۹: ۱۳-۱۴) در این قالب، فرهنگ راهبردی متفاوت باعث در پیش گرفتن سیاست خارجی و رفتارهای راهبردی متفاوتی توسط کشورها شده و طرح خاصی از سیاست خارجی و کنش راهبردی را شکل می دهد.

۱- منابع فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران

فرهنگ راهبردی از عوامل، عناصر و منابع گوناگونی تشکیل می شود که زیربنا و مواد اصلی آنرا تشکیل می دهند. کارنس لرد فرهنگ راهبردی را تشکل شده از شش عامل جغرافیا، تاریخ نظامی، روابط بین الملل، ایدئولوژی و فرهنگ سیاسی، ماهیت روابط نظامی - سیاسی و تکنولوژی نظامی می داند. (عسکری، ۱۳۹۷: ۹۹) جانسون و هاوالت نیز دسته بندی دیگری ارائه داده و مهم ترین عوامل سازنده فرهنگ راهبردی کشورها را در سه دسته عوامل فیزیکی، سیاسی و اجتماعی - فرهنگی و در دو مقوله نیروهای فراملی و فشارهای هنجاری قرار داده اند. (ولی زاده و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۵۵) علاوه بر این، دسته بندی های دیگری نیز از منابع و عوامل موثر بر فرهنگ راهبردی کشورها ارائه شده است. بر طبق این تعاریف و دسته بندی ها، می توان منابع عمده ی فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران را به قرار زیر دانست.

۱-۱- اسلام و تشیع

دین و مذهب جزء لاینفک جامعه ایرانی در طول تاریخ-قبل و بعد از اسلام- بوده و هست. بعد از ورود اسلام به ایران و بخصوص پس از رسمیت یافتن تشیع به عنوان مذهب اول کشور در دوران صفویه (۹۰۷ ق / ۱۵۰۱ م)، اسلام و تشیع به عنوان نشان ملی و هویت فرهنگی ایرانیان گردید. (Stanley, 2006) امروزه نیز لفظ جمهوری اسلامی خود نشان دهنده هنجارها و ارزشهایی است

که هویت سیاسی این نظام را تشکیل داده است و بر تعیین منافع و اهداف سیاست خارجی و چگونگی هدایت سیاست خارجی اثرگذار است. (صالحیان و سیمیر، ۱۳۹۷: ۱۷۵-۱۷۶)

تأثیر اسلام و تشیع بر فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران را می توان در قالب اثرگذاری ایدئولوژی بر فرهنگ راهبردی در مطالعات محققان این حوزه تبیین کرد. ایدئولوژی و مذهب از منابع عمده ی تولیدکننده ارزشها، باورها، هنجارها و ایده ها بوده و در فرهنگ سیاسی و راهبردی ملتها اثرات بسیاری دارند. جامعه ایران همواره یک جامعه مذهبی بوده و از گذشته تاکنون، دین و مذهب (در زمان باستان دین زرتشتی و بعد از آن دین اسلام) جزئی لاینفک از کنش های سیاسی و اجتماعی ایرانیان بوده است. اما با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ مذهب به صورت مستقیم وارد سپهر سیاسی و اجتماعی ایران شده و به عنوان ایدئولوژی سیاسی بر کنش های جمهوری اسلامی ایران (در سطح داخل و خارج) اثر گذاشته است. بنابراین ایدئولوژی و مذهب یکی از مهمترین منابع تشکیل دهنده فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران است.

۱-۲- تاریخ

تاریخ و عبرت آموزی از تجربیات تاریخی از جمله گزاره های اساسی در دین اسلام و فرهنگ ایرانی است. تجربیات تاریخی به مثابه ی موادی در اذهان ایرانیان رسوخ کرده و همواره بر تصمیمات و کنش های آنان اثر گذار است. این مسئله در حوزه عمومی و سیاسی و در تصمیمات مرتبط با سیاست داخلی و خارجی و راهبردها و سیاستهای امنیتی ظهور و بروز جدیتری دارد و درک سیاست خارجی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران بدون توجه به تأثیر تاریخ و تجربیات تاریخی بر اذهان ایرانیان و سیاستمداران ایرانی امکانپذیر نیست. تاریخ و تجربیات و خاطرات تاریخی ایرانیان از تهدیدات، جنگها، بحرانها از یک طرف و پیشرفتهای فرهنگی و تمدن خود در طول تاریخ از طرف دیگر، تأثیرات شگرفی بر روی فرهنگ سیاسی، فرهنگ راهبردی و به تبع آن سیاست خارجی این کشور داشته است. همچنین، پیشینه قدرت بزرگ بودن ایران و تاریخ باشکوه و تمدن کهن باعث ایجاد ذهنیت و اعتقادی در رهبران و مردم ایران شده است که این کشور از مرکزیت و جایگاه ممتاز و بالایی در سیستم بین الملل و منطقه خاورمیانه برخوردار است. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۲۳۰)

تجربیات تاریخی ایرانیان از دو طریق بر فرهنگ راهبردی این کشور اثرگذار بوده است: از یک طرف منجر به روابط خارجی و نگاه راهبردی احتیاط آمیز و همراه با شک و سوء ظن به بیگانگان بخصوص کشورهای

غربی و مخصوصاً آمریکا و انگلیس - شده است و از طرف دیگر یکی از انگیزه ها و علل اصلی استقلال خواهی در روابط و مناسبات خارجی جمهوری اسلامی ایران بوده است. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۲۳۱) همین مسائل باعث شده است تا جمهوری اسلامی ایران با هرگونه نفوذ و قدرت بیگانگان در سطح منطقه خاورمیانه و محیط پیرامونی خود مخالف باشد و با آن مقابله کند.

۱-۳- تجربه ۸ سال دفاع مقدس

هر چقدر به زمان حال نزدیک تر می شویم میزان اثرگذاری تاریخ و تحولات تاریخی بر ذهن و ضمیر ایرانیان و فرهنگ سیاسی و راهبردی آنان دوچندان می گردد. از این روست که تحولات دوران معاصر و بویژه تحولات دوران جمهوری اسلامی ایران بر فرهنگ سیاسی ایرانیان و فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران اثرات شگرفی گذاشته است.

جنگ ۸ ساله و تحمیلی عراق علیه ایران به دولت و مردم ایران درس های بسیاری آموخت و باعث تأثیرات مهمی در سیاستها و راهبردهای کلان جمهوری اسلامی ایران در حوزه های نظامی و امنیتی شد. در خلال این جنگ تقریباً تمامی کشورهای غربی و عربی در کنار عراق بودند و ایران با نوعی تنهایی راهبردی (استراتژیک) مواجه بوده و در این شرایط مجبور به دفاع از سرزمین خود شد. درواقع، حمایت شدید کشورهای غربی و عربی از عراق (از لحاظ مالی، تسلیحاتی و لجستیکی) و ناتوانی جمهوری اسلامی ایران در تأمین مواد اولیه و ادوات ابتدایی نظامی به ایرانیان آموخت که باید به خود متکی باشند و به سمت استقلال در تأمین نیازهای نظامی و تسلیحاتی خود حرکت کنند. این تجربیات باعث شده تا در دوران بعد از جنگ خوداتکایی و بازدارندگی به سیاست و راهبرد اصلی جمهوری اسلامی ایران در حوزه های دفاعی/امنیتی و سیاست خارجی تبدیل گردد. (ترابی و رضایی، ۱۳۹۰: ۱۴۹)

از تأثیرات مهم جنگ ۸ ساله با عراق تغییر در درک و فهم نخبگان سیاسی ایران نسبت به سیاست بین الملل و محیط منطقه ای ایران بود. در واقع وقوع انقلاب رویکرد ایدئالیستی را در سیاست خارجی ایران غالب کرد، اما جنگ تحمیلی کمک فراوانی به تغییر از الگوی ایدئالیستی به الگوی واقعگرایی در سیاست خارجی و امنیتی/دفاعی ایران کرد. (Strain, 1996: 19-20) هشت سال جنگ تحمیلی نشان داد که ایران انقلابی با محدودیتها و تهدیدات بسیار زیادی در محیط بینالمللی مواجه است و مجبور است تا حفظ و بقای خود را در اولویت قرار دهد. این مسائل باعث شد تا در عین حفظ سمتگیریهایی عمده در سیاست خارجی، برخی تاکتیک ها تغییر کند و جمهوری اسلامی ایران رویکرد واقعگرایانهایی برای تنشزدایی و تقویت روابط با همسایگان و نظام بین الملل در پیش گیرد. (سرمدی و ازغندی، ۱۳۹۵: ۱۵)

۱-۴- جغرافیا و ژئوپلیتیک

از گذشته، همواره عده ای بر نقش جغرافیا و محیط جغرافیایی در قدرت، منش ملی و سبک زندگی اقوام تأکید کرده اند. در نظریه های روابط بین الملل نیز به این مهم توجه ویژه ای شده و اشخاصی نظیر هانس جی مورگنتا نظریه پرداز برجسته ی روابط بین الملل، بر پایداری و دایمی بودن موقعیت جغرافیایی یک کشور توجه کرده و آنرا یکی از پایدارترین عوامل قدرت یک کشور می داند. مورگنتا جغرافیا و محیط جغرافیایی را در کنار عوامل دیگری از قبیل جمعیت، قدرت نظامی، ظرفیت صنعتی و ... به عنوان منابع اصلی قدرت کشورها می داند. (Morgenthau, 1967:210-218) از این رو، بخش مهمی از عوامل و سرچشمه های قدرت در جغرافیای هر کشوری قرار دارد و موقعیت جغرافیایی نقش بنیادینی در سایر عناصر قدرت از قبیل قدرت اقتصادی، قدرت سیاسی و فرهنگ راهبردی کشورها دارد.

جغرافیا و موقعیت جغرافیایی در دو شکل مستقیم و غیرمستقیم بر فرهنگ راهبردی اثرگذار است. در شکل مستقیم عواملی نظیر موقعیت استراتژیک/ راهبردی و شرایط سیاسی و نظامی همسایگان و قدرتهای بزرگ و مجاور باعث احساس ناامنی یا امنیت در نزد کشورها می گردد. در شکل غیرمستقیم نیز موقعیت جغرافیایی بر ویژگیهای فرهنگی و اجتماعی ملتها اثرگذار بوده و فرهنگ راهبردی آنها را تحت تأثیر قرار می دهد. در مورد جمهوری اسلامی ایران نیز موقعیت جغرافیایی به هر دو شکل مستقیم و غیرمستقیم بر فرهنگ راهبردی این کشور اثرگذار بوده است. (قنبرلو، ۱۳۹۱: ۴۴) از طرف دیگر وجود عناصر طبیعی نظیر دریاها، کوهها و حتی همسایگان از عواملی است که بر فرهنگ کشورها موثر است (Bloomfield and Nossal, 2007: 286-307) و این مسئله نیز در مورد ایران مصداق داشته و اثرات خود را بر فرهنگ راهبردی کشورمان برجای گذاشته است.

۱-۵- محیط پیرامونی و نظام بین الملل

نظام بین الملل، سازمانهای بین المللی و بازیگران عمده در نظام بین الملل همواره دارای اثرگذاری بر رفتار همهی کشورها از جمله جمهوری اسلامی ایران بوده اند. از این رو نظام بین الملل از عوامل اصلی و اثرگذار بر فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران است. (عسگری، ۱۳۹۷: ۱۰۰)

حمایتهای همه جانبه نظام بین الملل (قدرتهای بزرگ و سازمان ملل متحد) از عراق در جنگ تحمیلی باعث شد تا نگاه ایران نسبت به نظام بین الملل و واقعیتهای آن شکل گیرد. در این جنگ رژیم صدام حسین به انحاء مختلف از حمایت قدرتهای بزرگ (امریکا، شوروی، بریتانیا، فرانسه) و کشورهای عربی برخوردار بوده و جمهوری اسلامی ایران از تأمین نیازهای جزئی نظامی و لجستیکی خود نیز عاجز بود و سایر کشورها و به صورت کلی نظام بین الملل به ندرت به این کشور ادوات نظامی می دادند. این موضوع جمهوری اسلامی

ایران را نسبت به نظام بین الملل و مهمترین نمود آن یعنی سازمان ملل متحد بی اعتماد کرد. به علاوه، جمهوری اسلامی ایران از تبعیض ساختارهای نظام بین الملل در مواجهه با برنامه هسته ای این کشور (در مقایسه با برنامه های هسته ای سایرین، از جمله اسرائیل و ...) و نسبت به موضوع حقوق بشر (در مقایسه با کشورهای نظیر عربستان سعودی و ...) ناخرسند است و این مسائل بر بی اعتمادی سیاستورزان و سیاستگذاران جمهوری اسلامی ایران به نظام بین الملل و نهادهای آن افزوده است.

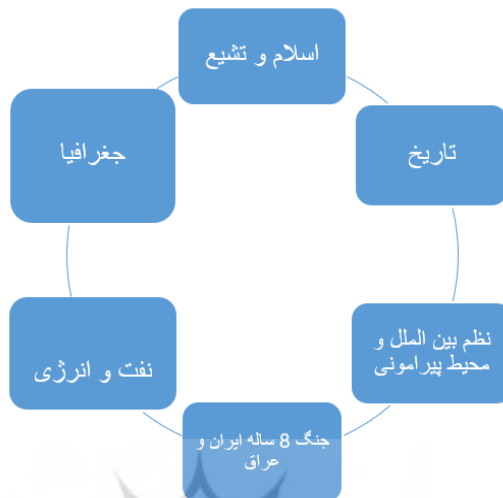
از طرف دیگر، ایران در یک محیط منطقه ای پر از بحران و چالش قرار دارد و تهدیدات مختلفی از طرف بازیگران دولتی (قدرتهای منطقه ای و جهانی) و غیردولتی (گروههای تروریستی) آن را تهدید می کنند. از این رو، تاریخ و جغرافیای ویژه و تعدد و تکرر بحرانها و چالش ها در محیط پیرامونی ایران نیز باعث شکل گیری نوعی دیدگاه در میان ایرانیان و سیاستمداران جمهوری اسلامی ایران برای کنشگری منطقه ای و بین المللی، برای مدیریت بحران ها و تهدیدات و تبدیل آن ها به فرصت شده است.

۱-۶- نفت و انرژی

سهم نفت و درآمدهای نفتی در فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران به تأثیر آن بر اقتصاد دولت و مردم ایران و تعیین برنامه های کلان نظامی و دفاعی و سیاست خارجی کشور بازمی گردد. نقش نفت در تعیین اهداف سیاسی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران به قدری است که برخی تحلیل گران میان رفتارهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مثلاً در خاورمیانه - و فراز و فرود قیمت نفت ارتباط برقرار می کنند. (Hass and Indyk, 2009)

با تسامح می توان اقتصاد ایران را یک اقتصاد تک محصولی و متکی بر منابع نفتی دانست. از این رو، نفت و گاز همواره به عنوان یک عنصر اقتصاد سیاسی بر فرهنگ راهبردی ایرانیان اثرگذار بوده و سابقه تحولاتی نظیر کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، که به دلیل منابع نفتی ایران انجام گرفت، این اثرگذاری را در اذهان ایرانیان دو چندان کرده است.

نفت و انرژی دارای دو اثر عمده بر فرهنگ راهبردی ایرانیان و به تبع آن بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی بوده است. از یکسو، نیاز ایران به بازارهای جهانی و صدور انرژی، جذب سرمایه گذاری خارجی و نوسازی و توسعه خطوط استخراج و انتقال نفت و ... منجر به نگاه راهبردی همکاری جویانه و تنشزدای جمهوری اسلامی ایران به سایر کشورها و قدرتهای خارجی می شود. از طرف دیگر نیز، منابع انرژی و سرمایههای حاصل از فروش آن دست جمهوری اسلامی ایران برای ایفای نقش در محیط پیرامونی و بین الملل و پیگیری منافع و اهداف راهبردی این کشور را باز گذاشته و توانایی حمایت از متحدانش را به این کشور داده است.



شکل ۱: منابع فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران

۲- تأثیرات فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران
فرهنگ راهبردی تأثیرات خود را در قالب ساختارها یا ویژگیها یا مولفه هایی نشان می دهند. از این رو اثرگذاری فرهنگ راهبردی را می توان با پیگیری نشانه هایی در سیاست خارجی و امنیتی/دفاعی کشورها دنبال کرد. در سیاست خارجی و سیاست دفاعی/امنیتی جمهوری اسلامی ایران نیز ویژگیها یا مولفه هایی وجود دارند که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم متأثر از فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران است. مهمترین مولفه ها و شاخصه های متأثر از فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران در سیاست خارجی و سیاست دفاعی/امنیتی این کشور به قرار زیر است:

۱-۲- حمایت از مسلمانان و شیعیان

پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ باعث ورود عنصر تشیع و شیعه گرای به سیاست خارجی و فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران شد. دلیل عمده این موضوع نیز به ماهیت انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی برمی گشت، که به شدت متأثر از معارف شیعی بود.

جمهوری اسلامی ایران خود را به عنوان رهبر شیعیان جهان و ام

القرای جهان اسلام می داند و این مسئله باعث حمایت گسترده جمهوری اسلامی ایران از گروههای مقاومت اسلامی و شیعی در کشورهای سوریه، عراق، لبنان و یمن شده است. همچنین حمایت از برخی گروههای سنی از قبیل گروههای حماس و جهاد اسلامی فلسطین نیز در سیاست خارجی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران وجود دارد. درواقع جمهوری اسلامی ایران از هر گروه اسلامی (شیعه یا سنی) که در چهارچوب مقاومت در مقابل جهان سلطه (امریکا، اسرائیل و ...) فعالیت کند، حمایت کرده و از لحاظ مالی و لجستیکی از آن پشتیبانی خواهد نمود.

بر این اساس، حمایت از گروههای اسلامی (نهضت های رهایی بخش، ضد سلطه ی غرب و هم پیمانانش و عمدتاً شیعه مذهب) از اصول اساسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است و این موضوع از فرهنگ راهبردی مبتنی بر انگاره های دینی و مذهبی جمهوری اسلامی ایران نشأت گرفته و در قالب قانون اساسی و رویه های جاری و سیاست های اعلامی و اعمالی جمهوری اسلامی ایران خود را نشان داده است.

۲-۲- مقاومت

یکی از شاخصهای اساسی سیاست خارجی و امنیتی/دفاعی جمهوری اسلامی ایران و یکی از ویژگیهای معرف جمهوری اسلامی ایران در سطح جهان و محیط پیرامونیش مفهوم مقاومت است که به شدت مرتبط با مولفه ی پیشین، یعنی حمایت از مسلمانان و شیعیان است.

مقاومت به معنای مقابله با سلطه و سلطه گران و پایداری در مقابل آنهاست و در فارسی آن را به ایستادگی، استواری و پایداری تعریف کرده اند. مقاومت اسلامی نیز به معنای تقویت و استواری خط اسلام با حرکت در مسیر اسلام است. مقاومت در نظام جمهوری اسلامی ایران نیز بر اساس هم پیمانی و ائتلاف با کشورها و نیروهای هم راستا برای مقابله با کشورهای سلطه گر (امریکا، اسرائیل و کشورهای همپیمان) تعریف می شود. (زارعی، ۱۳۹۸: ۲۱۷-۲۱۸) در این قالب، کشورها و نیروهای هم پیمان و هم راستا با جمهوری اسلامی ایران را محور مقاومت نامیده اند. درواقع، محور مقاومت یک ائتلاف ژئوپلیتیک منطقهای شامل بازیگران دولتی؛ ایران و سوریه و غیردولتی (حزب الله لبنان، حوثیه های یمن، گروههای در عراق و ...) است که دارای منافع ملی و ایدئولوژیکی بوده و به دنبال مقابله با امریکا و هم پیمانانش (به عنوان محور سلطه) هستند.

گفتمان مقاومت نیز ریشه در فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران دارد. همانگونه که در بخش منابع فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران گفته شد، اسلام گرایی و شیعه گرایی از منابع اصلی فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران است و همین عنصر بنمایه ی اصلی حمایت از نهضتهای

رهاییبخش مسلمان و شیعه و گفتمان مقاومت در سیاست خارجی ایران است. در اسلام مقاومت و پایداری (در مقابل کفر و سلطه گری) تقدیس شده و از مظاهر اصلی دیانت و عزت اسلامی است. از این رو جمهوری اسلامی ایران به عنوان نظامی دینی و اسلامی همواره خود را ملزم به مقابله با استکبار و سلطه گران و حمایت از مظلومین و مستضعفین دانسته است. بر این اساس گفتمان مقاومت از عناصر اساسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بوده و این گفتمان بر پایه و بستر فرهنگ راهبردی این کشور ایجاد شده است.

۲-۳- عدالت طلبی

عدالت طلبی از دیگر شاخصه‌های جمهوری اسلامی ایران است که با مفهوم حمایت از مسلمانان و شیعیان (مستضعفان) و مقاومت در مقابل قدرتهای خارجی (مستکبران) مرتبط است. این عدالت طلبی خود را در قالب حمایت از نهضت های راهییبخش، کشورهای جهان سوم و ... نشان داده و طیف مختلفی از کمک های مالی، لجستیکی و تسلیحاتی و کمک های سیاسی (دوجانبه، منطقه‌ای و بین المللی) را شامل می گردد.

عدالت طلبی نیز ریشه در تاریخ، مذهب و فرهنگ راهبردی ایرانیان دارد. مردم ایران در طول تاریخ معاصر به کرات گرفتار بیعدالتی در نظام بین الملل شده و همین موضوع باعث شده است تا علیرغم اعلام بیطرفی در دو جنگ جهانی، به اشغال قوای بیگانه درآیند. در طول جنگ تحمیلی نیز طعم بیعدالتی و رفتارهای تبعیضآمیز ساختارهای نظام بین الملل (از قبیل سازمان ملل متحد) و کشورهای بزرگ را به عینه چشیده اند و در موضوع هسته ای نیز رفتارهای تبعیضآمیز قدرتهای بزرگ و ساختارهای نظام بین الملل (آژانس بین الملل انرژی اتمی) را درک کرده اند. اما در کنار درک تاریخی بی عدالتی، اسلام و تشیع نیز همواره بر عدالت تأکید کرده اند و نظام جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک نظام دینی و مبتنی بر مذهب تشیع، خود را نظامی عدالت گرا و عدالت طلب می داند. ازاینرو، عدالت طلبی و عدالتگرایی از دیگر شاخصههایی است که بر بستر فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران ایجاد شده و بر سیاست خارجی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران اثر گذاشته است. در این معنا، عدالت طلبی به معنای روابط برابر با همه کشورهایی است که حق حیات و حقوق و منافع ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی ایران را به رسمیت می شناسند. اما عدالت در سپهر سیاست خارجی ایران معنای دیگری نیز دارد که یکی از مهمترین آنها تلاش برای اصلاح ساختارها، نهادها و مناسبات ناعادلانه در سطح بینالمللی از طریق همکاری با کشورها و ملتهای دیگر است. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۳: ۱۴) همچنین عدالت طلبی به معنای کمک به کشورهای ضعیف و اصطلاحاً مستضعف در مقابل کشورهای قوی و اصطلاحاً مستکبر (امریکا و ...) است.

۲-۴- بی‌اعتمادی به بیگانگان

تاریخ ایران سرشار از تهاجم‌ها و سلطه‌گریهای کشورهای خارجی (بیگانگان) است و قراردادهای کودتاهای تاریخ معاصر ایران باعث شده است تا نوعی بی‌اعتمادی نسبت به حضور خارجیها یا بیگانگان در فرهنگ سیاسی و راهبردی ایرانیان ایجاد گردد. بنابراین، تجربه تلخ روابط با کشورهای استعمارگر و نیروهای استعماری در حافظه‌ی تاریخی و فرهنگ راهبردی مردم و دولتهای ایران ثبت شده و اثرات خود را در نگاه ایرانیان به سایر کشورها، به ویژه قدرتهای خارجی نشان داده است.

این مسئله باعث شده است تا ایرانیان همواره معتقد به توطئه‌چینی بیگانگان و نیروهای آنها در کشور خود باشند. این موضوع از گذشته وجود داشته و از پادشاهان و مورخان و نویسندگان و ... تا مردم عادی، همواره دولتهای خارجی یا اعمال آنها را در بسیاری از مسائل کشور دخیل دانسته‌اند. این موضوع باعث شده است تا حتی در میان عوام نیز جملاتی از قبیل کار، کار انگلیسی‌هاست و ... رواج داشته باشد. عده‌ای این مسئله را توهم توطئه نامیده‌اند و آن را افراطگرایی و بی‌اعتمادی افراطی و دور از واقع به جهان خارج دانسته‌اند. اما بررسی دقیق نشان می‌دهد که بخش زیادی از این مسئله به جامعه‌شناسی تاریخی و تجربیات نهفته در اذهان ایرانیان مرتبط است. بسیاری از تجربه‌های تلخ تاریخ ایران حاصل توطئه‌های کشورهای دیگر یا اعمال و کارگزاران آنها بوده است. همین مسئله باعث شده است تا بی‌اعتمادی به بیگانگان به ویژگی‌ای فرهنگی و بخشی از فرهنگ راهبردی ایرانیان تبدیل شده و بر بسیاری از سیاستهای آنان موثر باشد.

بی‌اعتمادی به بیگانگان همواره باعث ایجاد نوعی تهدید و ناامنی مداوم در فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران شده است. درواقع، ژئوپلیتیک بحرانزای منطقه و محیط پرامونی ایران، در کنار منابع سرشار معدنی و انرژی و سوابق تاریخی از نفوذ و تسلط بیگانگان بر منابع کشور، یک ترس و ناامنی مداوم را در فرهنگ راهبردی ایرانیان ایجاد کرده است و احساس بی‌اعتمادی به بیگانگان و ناامنی ناشی از آن را به یکی از مولفه‌ها و شاخصه‌های فرهنگ راهبردی ایران بدل نموده است. (مشیرزاده و کافی، ۱۳۹۷: ۲۱) روح الله رضانی در همین زمینه معتقد است: ایرانیان احساس می‌کنند که در طول تاریخ توسط قدرتهای بیگانه مورد ظلم و ستم قرار گرفته‌اند. آنها به یاد می‌آورند که یونانی‌ها، اعراب، مغولان، ترکها و همین اواخر نیروهای صدام حسین به کشورشان حمله کردند. همچنین ایرانیان استثمار اقتصادی امپراتوریهای بریتانیا و روسیه را به یاد دارند و اشغال کشورشان در دو جنگ جهانی را فراموش نکرده‌اند. به علاوه، در حافظه تاریخی ایرانیان ثبت شده است که ایالات متحده آمریکا تمایلات دموکراتیک مردم ایران را در سال ۱۹۵۳-۱۳۳۲،

با سرنگون کردن دولت ملی مصدق و بازگرداندن شاه خودکامه، ناکام گذاشت. (رمضانی، ۱۳۸۸: ۱۴)

همچنین، زمینه گراهام فولر نیز اعتقاد دارد: ... به واسطه چنین سلطه‌ای، ایرانیان همواره می‌پندارند که بر سرنوشت خود حاکم نبوده، بلکه تابع تزویرها و اعمال نفوذ خارجی بوده‌اند. در ایران هرگز رویدادها تبیین ساده‌ای را برنمی‌تابند، بلکه بازتاب وجود نیروهای سیاسی دست‌اندرکار در پشت صحنه است. (فولر، ۱۳۷۳: ۲۵)

۲-۵- استقلال

تجربه قرن‌ها حضور بیگانگان و اشغال کشور در برهه‌های تاریخی مختلف توسط قوای بیگانه باعث نوعی بی‌اعتمادی به بیگانگان در فرهنگ عمومی و سیاسی و نهایتاً فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران شده است. همین موضوع باعث شده است تا جمهوری اسلامی ایران چندان مایل به ایجاد اتحاد و ائتلاف استراتژیک/راهبردی با سایر کشورها نبوده و به سمت استقلال در سیاست خارجی حرکت کند.

ناامنی‌های ناشی از مداخلات خارجی و نفوذ و حضور قدرتهای بزرگ در برابر همبستگی ملی و حق تعیین سرنوشت ایرانیان در طول تاریخ طولانی ایران و بخصوص حضور و نفوذ گسترده کشورهای غربی در دوران معاصر در ایران باعث شده است تا حس استقلال طلبی در انقلاب اسلامی ایران به شدت قوی شده و به یکی از اصول اساسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تبدیل گردد. برایناساس و با پیروزی انقلاب اسلامی، دولت جدید بر شعار نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی تکیه کرده و به جنبش عدم تعهد پیوست. (قنبرلو، ۱۳۹۱: ۶۲) در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز به خوبی به این موضوعات اشاره شده و بر مفاهیمی از قبیل استقلال، نفی سبیل، حاکمیت ملی و ایجاد شرایط سخت برای سرمایه گذاری خارجی و مستشاران و اصولاً هر گونه عنصر خارجی تأکید شده است. (ترابی و رضایی، ۱۳۹۰: ۱۵۳)

بنابراین انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ باعث گردید تا استقلال طلبی ایرانیان به آموزه های دینی مجهز شده و با بیگانه‌ستیزی مستتر در فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران ترکیب شده و به مقابله با قدرتهای بزرگ از جمله ایالات متحده امریکا برخیزد. ازاینرو، تجربیات نهفته ی تاریخی ایرانیان و سرخوردگی از حضور قوای بیگانه و تسلط کشورهای خارجی بر امورات سیاسی و اقتصادی آنان، با آموزه های دینی و اسلامی ترکیب شده و با وقوع انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ به سپهر سیاسی ایران وارد شده و طی ۴ دهه ی اخیر به ویژگی محوری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تبدیل گردیده است.

بنابراین، عنصر استقلال نیز متأثر از فرهنگ راهبردی و منابع عمده‌ی آن یعنی تاریخ و مذهب است. در مورد مذهب در سطور قبل توضیح داده شد. در حوزه ی تاریخ نیز دو نقل قول از پژوهشگران مطرح تاریخ و سیاست خارجی ایران گواه این مسئله است. گراهام فولر استقلال طلبی ایرانیان را متأثر از تاریخ عنوان نموده و اعتقاد دارد: میان ایرانیان نوعی سوءظن نسبت به دنیای خارج با تصمیم جدی برای کسب استقلال و عدم آمیزش با قدرت‌های خارجی همراه است. (فولر، ۱۳۷۳: ۱۱) دیدگاه رضانی نیز به دیدگاه فولر نزدیک است. وی اعتقاد دارد که: دو بعد اصلی تاریخ ایران یعنی افتخار آمیز بودن آن و نفوذ و قدرت بیگانگان با یکدیگر ترکیب شده و حس استقلال طلبی و مقابله با قدرتهای بیگانه را در فرهنگ ایرانی ایجاد کرده است. (رضانی، ۱۳۸۸: ۱۴) ۲-۶- مصلحت

مصلحت در لغت به معنای سود است و در برابر مفسده به کار میرود. همچنین در منابع دیگر آن را به معنای بهبود بخشیدن و شایستگی نیز به کار برده اند. به علاوه، مصلحت را عبارت از آنچه که با مقاصد انسان در امور دنیوی یا اخروی یا هر دو موافق باشد، دانسته‌اند و نتیجه‌ی آن را حاصل شدن منفعت یا دفع ضرر دانسته اند. (موسی زاده، ۱۳۸۸: ۵۹) منظور از مفهوم مصلحت در حکومت اسلامی نیز منفعتی است که شارع حکیم برای بندگانش خواسته است و این منافع مشتمل بر حفظ دین، جان، عقل، نسل و مال، به ترتیب اولویت است. (ظریف و سجادی، ۱۳۹۳: ۱۰۶)

مصلحت در نظام های سیاسی و اجتماعی از جایگاه و اهمیت بالایی برخوردار است. چرا که رعایت مصالح عمومی اهمیت ویژه ای داشته و در تصمیم گیری ها و سیاستگزاریها مورد توجه قرار می گیرد. هر چند، بر طبق روایات، همه ی احکام دینی و مذهبی مورد نیاز بشر در کتاب قرآن و روایات بیان شده است، اما از آنجایی که حکومت اسلامی دارای احکام ثابت و متغیر است، توسل به مصلحت از ضروریات بوده و باید مورد توجه جدی قرار گیرد. (موسی زاده، ۱۳۸۸: ۶۲)

مفهوم مصلحت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در ارتباطی تنگاتنگ با دو مفهوم محوری دیگر، یعنی عزت و حکمت قرار دارد. رهبر انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۷۱ سه اصل عزت، حکمت و مصلحت را به عنوان اصول حاکم بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تعیین و تعریف نموده اند. از این رو به اعتقاد عده ای، سیاست خارجی مطلوب جمهوری اسلامی ایران حاصل توازن و تعادل این سه اصل است و بر هم خوردن تعادل آنها سیاست خارجی را با شکست مواجه کرده و از اصول جمهوری اسلامی ایران فاصله می گیرد. به گونه ای که ممکن است در برخی مواقع تأکید بیش از حد بر اصل عزت به قیمت نادیده گرفتن دو اصل حکمت

و مصلحت بوده و در مواقع دیگر، تأکید بیش از حد بر مصلحت‌اندیشی نیز باعث زیرپا گذاشتن اصل عزت در سیاست خارجی گردد. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۳: ۱۳) از این رو همواره مصلحت از اصول اساسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران قلمداد شده است و در کنار دو اصل عزت و حکمت مورد توجه و نظر بوده است.

مصلحت نیز در فرهنگ راهبردی ایرانیان ریشه داشته و متأثر از آن بوده است. از نگاه روح الله رضانی، ایرانیان از سنت کشورداری محتاطانه‌ای برخوردارند که نتیجه‌ی قرن‌ها تجربه در امور بین‌المللی است، که از زمان کوروش هخامنشی در ۲۰۰۰ سال قبل به تدریج شکل گرفته است. این سنت در دوران بعد از اسلام و با تکریم عقل و حکمت در تشیع درآمیخت و باعث ایجاد یک سنت حکمرانی محتاطانه در طول تاریخ ایران شد. (رضانی، ۱۳۸۸: ۱۵) این حکمرانی محتاطانه را عده‌ای در نظام جمهوری اسلامی به عنوان مصلحت معنا کرده‌اند.

۲-۷- صبر راهبردی/استراتژیک

از دیگر شاخصه‌های متأثر از فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران صبر استراتژیک یا راهبردی است. (Eisenstadt, 2015:3-15) صبر راهبردی یا استراتژیک به معنای خودداری از اعمال یا اجرای سیاست یا پاسخ عجولانه در مقابل سیاستهای دشمن است. این به معنای بی‌عملی نیست، بلکه پاسخ و عمل به آینده و زمان مناسب موکول می‌گردد، تا نتایج بهتر و هزینه‌های کمتری از اجرای آن سیاست یا راهبرد خاص حاصل شود.

از نمونه‌های بارز این صبر استراتژیک را می‌توان در سالهای اخیر و در واکنش جمهوری اسلامی ایران به خروج دولت ایالات متحده آمریکا از برجام مشاهده است. بسیاری اعتقاد داشتند که خروج آمریکا از برجام باعث خروج جمهوری اسلامی ایران از این برنامه خواهد شد، اما جمهوری اسلامی ایران این عمل را انجام نداده و در مقابل این اقدام آمریکا، به صبر استراتژیک یا راهبردی دست زد.

صبر راهبردی یا استراتژیک نیز ریشه در فرهنگ عمومی، فرهنگ سیاسی و فرهنگ راهبردی ایرانیان دارد. به گونه‌ای که حتی عده‌ای صبر ایرانیان را با صبر و حوصله‌ی آنها در بافتن صنایع دستی از قبیل قالی تشبیه کرده و معتقدند ایرانیان همانگونه که با صبر و شکیبایی قالی می‌بافند و در انتها یک محصول زیبا خلق می‌کنند، در حوزه‌های راهبردی و استراتژیک نیز با صبر و شکیبایی نتیجه‌های مطلوب را رقم می‌زنند. (موسوی خلخالی، ۱۳۹۸)

۲-۸- بازدارندگی

قبل از انقلاب اسلامی، راهبرد دفاعی ایران مبتنی بر اتحاد و ائتلاف با آمریکا و کشورهای غربی بوده و کنشگری مستقل نداشت. اما با پیروزی انقلاب

اسلامی در سال ۱۳۵۷، این روند تغییر کرده و راهبرد دفاعی جمهوری اسلامی ایران بر اساس بازدارندگی متعارف و منطقه ای شکل گرفته و با طراحی راهبردی جدیدی پی گرفته شد. دلایل عمده ی این تغییر و تحول نیز به فرهنگ راهبردی نظام جمهوری اسلامی ایران بازمی گردد. درواقع شاخصه های فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران از قبیل اسلام گرایی، استقلال طلبی، مقابله با استکبار و دفاع از مستضعف و ... باعث شده است تا اتحاد و ائتلاف با ایالات متحده امریکا و هم پیمانانش به عنوان محور کفر و استکبار جهانی- کنار گذاشته شده و مقاومت در مقابل آنها به محور سیاست خارجی ایران تبدیل گردد. در این میان مقابله با تهدیدات این محور باعث شده است تا راهبرد بازدارندگی به عنوان مهم ترین بخش از راهبرد دفاعی ایران مورد توجه و دقت سیاستمداران و سیاستگذاران و نظامیان ایرانی قرار گیرد.

اسلام و تشیع نقشی بی بدیل در طراحی و اجرای راهبرد دفاعی و بازدارندگی در جمهوری اسلامی ایران ایفا می کند. جمهوری اسلامی ایران در پیروی از آموزه های اسلامی - شیعی، امنیت خود را بر مبنای دفاع قرار داده و با هر گونه تجاوزگری ابراز مخالفت کرده است. از این رو، در سیاست و راهبرد دفاعی خود به دنبال بازدارندگی است و از آنجایی که از لحاظ فقهی و ایدئولوژیک با تسلیحات هسته ای مخالف است، بازدارندگی مبتنی بر سلاح های متعارف را در پیش گرفته است.

در چهارچوب بازدارندگی متعارف و منطقه ای جمهوری اسلامی ایران، توسعه توانمندیهای نظامی - دفاعی و بخصوص فناوریهای موشکی نقش مهمی دارد. ۸ سال جنگ تحمیلی نیز سیاستمداران و سیاستگذاران ایرانی را به این نتیجه رساند که توسعه فناوریهای نظامی و دفاعی از اولویتهای اساسی برای طراحی سیستم دفاعی کشور است. از این رو، با پایان جنگ ۸ ساله ی ایران و عراق، تلاش ها و هزینه های بسیاری برای افزایش توان نظامی و دفاعی ایران و سرمایه گذاری های بسیاری برای توسعه صنعت پیشرفته موشکی انجام گرفت. بر این اساس، عدهای صنعت نظامی و اقتدار موشکی جمهوری اسلامی ایران را نه تنها به عنوان جزئی مهم از دکترین یا راهبرد دفاعی این کشور، بلکه آنرا محور بازدارندگی متعارف و منطقه ای جمهوری اسلامی ایران قلمداد می کنند.(ارغوانی پیرسلامی و پیرانخو، ۱۳۹۶: ۶۰)

شکل ۲: تأثیرات فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران



نتیجه گیری

فرهنگ راهبردی هر کشوری حاصل منابع و عناصری است که به صورت مستقیم یا غیر مستقیم بر فرهنگ عمومی، سیاسی و راهبردی آن کشور اثرگذارند. اما فرهنگ راهبردی خود نیز بر راهبردها، سیاست ها و عملکردهای دولتها اثرگذار بوده و وجوه مختلف داخلی و خارجی کشورها را متأثر می سازد. دین و مذهب، تاریخ و جغرافیا، نظام بین الملل و محیط پیرامونی ایران و عوامل اقتصادی (به ویژه نفت) منابع اصلی تشکیلدهنده فرهنگ راهبردی ایران محسوب می شوند. اما این فرهنگ راهبردی خود نیز بر شاخصه ها و ویژگیهای اساسی سیاست خارجی و امنیتی / دفاعی جمهوری اسلامی ایران از قبیل حمایت از مسلمانان و شیعیان، مقاومت، عدالت، بی اعتمادی به بیگانگان، استقلال، مصلحت، صبر راهبردی، بازدارندگی و توسعه فناوریهای دفاعی و نظامی اثر گذاشته و نوعی سیاست خارجی و دفاعی مختص نظام جمهوری اسلامی ایران را ایجاد نموده است. از این رو، فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران از مهمترین عوامل تأثیرگذار بر سیاست خارجی و سیاست دفاعی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران بوده و بدون درک آن، نمی توان تبیین و تحلیلی درست و چهارچوبمند و علمی از سیاست خارجی و سیاست های دفاعی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران ارائه داد.

- ارغوانی پیرسلامی، فریبرز و سحر پیرانخو (۱۳۹۶)، تابستان)، تحول فناوری موشکی و راهبرد دفاعی امنیتی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه راهبرد، سال بیست و ششم، شماره ۸۳، صص ۵۱-۷۴.
- ترابی، قاسم و علیرضا رضایی (۱۳۹۰)، تابستان)، فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران؛ زمینه های ایجابی و شاخصه های اساسی، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال چهاردهم، صص ۱۳۵-۱۶۲.
- داوودی، علی اصغر (۱۳۹۱)، تابستان)، امنیت از نگاه مکتب سازه انگاری، فصلنامه مطالعات سیاسی، سال چهارم، شماره ۱۶، صص ۲۹-۵۰.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۸)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات سمت.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۸)، پاییز)، منابع ملی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۳۹، شماره ۳، صص ۲۲۱-۲۴۵.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال الدین (۱۳۹۳)، بهار)، گفتمان اعتدال در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و هشتم، شماره ۱، صص ۱-۳۹.
- رضائی، روح الله (۱۳۸۸)، بهار)، درک سیاست خارجی ایران، فصلنامه بین المللی روابط خارجی، سال اول، صص ۱۱-۲۰.
- زارعی، غفار (۱۳۹۸)، پاییز)، بررسی نظری دکتترین مقاومت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات سیاسی، سال دوازدهم، شماره ۴۵، صص ۲۱۵-۲۴۰.
- سرمدی، حمید و علیرضا ازغندی (۱۳۹۵)، مهر)، جنگ تحمیلی و تأثیر آن بر تغییر گفتمان سیاست خارجی ایران (از آرمانگرایی دهه اول به عملگرایی منفعت محور دهه دوم انقلاب اسلامی) ماهنامه پژوهش ملل، دوره اول، شماره ۱۰، صص ۱-۱۵.
- سلیمی، حسین و امین حجازی (۱۳۹۹)، پاییز)، چگونگی تأثیر فرهنگ راهبردی نخبگان سیاسی بر رفتار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران؛ تکوین نقش دولت رسالت محور، پژوهش های راهبردی سیاست، دوره ۹، شماره ۳۴، شماره پیاپی ۶۴، صص ۹۵-۴۲.
- صالحیان، تاج الدین و رضا سیمبر (۱۳۹۷)، بهار)، منابع اجتماعی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات سیاستگذاری راهبردی، دوره ۸، شماره ۲۶، صص ۱۶۵-۱۸۶.

ظریف، محمدجواد و سید مهدی سجادیه (۱۳۹۳)، پاییز و زمستان)، صورتبندی
گفتمان مصلحت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، دوفصلنامه علمی
پژوهشی دانش سیاسی، سال دهم، شماره دوم، پیاپی، ۲۰، صص ۱۴۸-۱۰۳.
عبدالله خانی، علی (تابستان ۱۳۸۶)، سه نسل، سه در گفتمان فرهنگ
استراتژیک، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال دهم، شماره ۳۶، صص ۳۱۵-۲۳۸.
عسکری، محمود (۱۳۹۷، بهار)، «فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران؛
عوامل و ویژگیها»، فصلنامه علمی راهبرد دفاعی، دوره ۱۶، شماره ۱، شماره
پیاپی ۶۱، صص ۸۷-۱۲۷.

فارسی، جلال الدین (۱۳۶۳)، استراتژی ملی، گزارش سمینار، تهران: دفتر
مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه، جلد اول.
فولر، گراهام (۱۳۷۳)، قبله عالم؛ ژئوپلتیک ایران، مترجم: عباس مخبر، تهران:
نشر مرکز.

قنبرلو، عبدالله (۱۳۹۱، پاییز)، فرهنگ راهبردی و دفاع ملی؛ مطالعه موردی
جنگ تحمیلی، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال پانزدهم، شماره سوم، صص
۵۰-۳۱.

کافی، مجید (۱۳۹۶، بهمن)، تغییر و تداوم فرهنگ راهبردی در ایران
معاصر (۱۲۹۹-۱۳۹۴)، پایان نامه دکتری روابط بین الملل دانشگاه تهران، استاد
راهنما: حمیرا مشیر زاده.

مشیرزاده، حمیرا (پاییز و زمستان ۱۳۹۱)، نظریه سازه انگاری متعارف و
پژوهش در روابط بین الملل و استلزامات پژوهشی، دوفصلنامه علمی- پژوهشی
پژوهش سیاست نظری، شماره ۱۲، ص ۱-۲۰.

مشیرزاده، حمیرا و مجید کافی (۱۳۹۷، تابستان)، نگاهی دیگر به مبانی روابط
خارجی ج.ا.ایران: فرهنگ راهبردی در دهه ۱۳۵۸-۱۳۶۸، فصلنامه تحقیقات
سیاسی بین المللی، شماره ۳۵، صص ۱-۳۰.

موسوی خلخالی، سید علی (۱۳۹۸، اردیبهشت)، چرا امریکا به خروج ایران از
برجام اصرار دارد؟ صبر استراتژیک ایران و تهدیدی که امریکایی ها احساس
می کنند، وبسایت دیپلماسی ایرانی

موسویزاده، ابراهیم (۱۳۸۸، بهار)، مفهوم مصلحت نظام و مرجع تشخیص آن در نظام
قانونگذاری جمهوری اسلامی ایران، مجله حکومت اسلامی، سال چهاردهم، شماره اول،
صص ۵۷-۹۸.

ولیزاده، اکبر، غلامرضا فیروزیان حاجی و مرتضی شجاع (۱۳۹۴، تابستان)، «درآمدی
بر فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه پژوهش های انقلاب اسلامی،
انجمن علمی انقلاب اسلامی ایران، سال چهارم، شماره ۱۳، صص ۱۴۵-۱۶۶.

Al-Rodhan, Nayef (22 July 2015), "Strategic Culture and Pragmatic National Interest", global policy, available at: <https://www.globalpolicyjournal.com/blog/22/07/2015/strategic-culture-and-pragmatic-national-interest>

Eisenstadt, Michael (2015, November), "The Strategic Culture of the Islamic Republic of Iran: Religion, Expediency, and Soft Power in an Era of Disruptive Change", Middle East Studies, no 7

Bloomfield, Alan and Kim Richard Nossal (2007), Towards an Explicative Understanding of Strategic Culture: The Cases of Australia and Canada, Contemporary Security Policy, Vol 28, No 2. pp286-307

Hass, Richard N. and Martin Indyk (2009, January / February), "Beyond Iraq: A New Strategy for the Middle East", Foreign Affairs

Johnston, Alastair Ian (1995), Cultural Realism: Strategic Culture and Grand Strategy in Chinese History, Princeton: Princeton University Press

Morgenthau, Hans . J (1967), Politics among Nations, The struggle for power and Peace, fifth Edition, Revised, New York: Alfred A Knoff

Rynning, Sten, (2003), "The European Union: Towards a Strategic Culture?", Security Dialogue, Vol. 34, No. 4

Stanley, Willis (2006), The Strategic Culture of the Islamic Republic of Iran, Prepared for: Defense Threat Reduction Agency Advanced Systems and Concepts Office, 3

Strain, Frederick R (1996), Discerning Iran's Nuclear Strategy: An Examination of Motivations, Strategic Culture, And Rationality, Alabama: Maxwell Air Force Base